

بسم الله الرحمن الرحيم

روی کرد و خامت مدار

هر تهدید خارجی می‌تواند سیستم را از حالت عادی خارج کرده و در آن ایجاد بحران نماید. هر جامعه‌ای درون خود التهاب یا حداقل پتانسیل ملتهب شدن را دارد. خروج سیستم از وضعیت عادی، منجر به «وختامت» اوضاع شده و مدیریت سیستم را با اختلال مواجه می‌کند. در این شرایط، بسته به میزان آستانه‌ی تحمل سیستم نسبت به تهدید، سرعت و نحوه‌ی تشدید وختامت اوضاع را مشخص می‌نماید. به این ترتیب، مدیریت بحران یا وختامت، کارکرد اصلی یک استراتژیست است.

روند تشدید وختامت اوضاع و بروز بحران در جامعه مانند بدن انسان است. بدن در حالت معمول خود، در شرایط «عادی» و آرامش به سر می‌برد. اعمال تهدید خارجی، این شرایط را از حالت عادی به «تنش» تغییر وضعیت می‌دهد و تمرکز و تفکر انسان را مختل می‌کند. وقتی شرایط حادثر گردد، سایر اعضا نیز درگیر شده، و اوضاع به حالت «تشنج» می‌رسد. در چنین شرایطی، علاوه بر فکر، حواس پنجگانه‌ی وی نیز مختل می‌گردد. در مرحله‌ی نهایی، وختامت اوضاع به اوج خود رسیده، و بقاء انسان به خطر می‌افتد. این شرایط به اصطلاح اورژانسی، آستانه‌ی تحمل سیستم است و برای حفظ آن باید تمهیدات ویژه‌ی پزشکی و احیاء در نظر گرفته شود تا به زندگی بازگردد. بنابراین روند تشدید وختامت اوضاع، خروج سیستم از حالت «عادی» به «تنش»، بعد «تشنج» و در نهایت «بحران» است.

حال، در فرایندی معکوس، مدیریت بحران تلاش دارد با اتخاذ استراتژی مناسب، شرایط را از حالت «بحران» به «تشنج»، سپس «تنش» و در نهایت «عادی» بازگرداند و اوضاع را بهبود ببخشد. تربیت استراتژیست‌هایی که ظرفیت تحمل بالایی داشته و توانایی مدیریت سیستم در شرایط وخیم را دارند، مورد نظر این روی‌کرد در استراتژی برای کودکان است.

در برابر نگاه «مدیریت بحران»، قرآن کریم چهارچوب «هدایت آرامش» را معرفی کرده است. در این نگاه، اساساً جامعه، به طور پیش‌فرض در هیچ حالت عادی قبلی قرار ندارد. بلکه همیشه بشر در اوضاع غیرعادی به سر می‌برد. زیرا شرایط آرامش، پیش روی او است و جامعه و افراد به سوی آن باید هدایت شوند. ارسال انبیاء و انذار آنان از شرایط نامناسب موجود و بشارت ایشان به وضعیتی مطلوب و آرام، ناظر به این نوع نگاه است. اوج این نگاه، در مهدویت اصیل، حرکت رو به جلو و انقلابی را برتافته و به طور مبنایی با جهت‌گیری محافظه‌کارانه‌ی مدیریت بحران، اختلاف دارد.